



نام و نام خانوادگی :

به نام خالق زیبایی ها

پایه دوم / دبستان سما / مقری

املائی کامل کردنی درس پرواز قطره

خورشید آسمان بود و از بالا به دریای آبی نگاه می کرد . ناگهان آب دریا موجی زد و

آب به پراکنده شدند . خورشید قطره ی آبی را دید که خیلی است . از او پرسید :

« چرا ناراحتی ؟ »

قطره گفت : « دلم می خواهد چند روز پیش ، به شکل ابر دربیایم .

خورشید گفت : « چه شد که به دریا آمدید ؟ »

او گفت : « ما اوّل ابر بودیم . یک روز داشتیم با دوستانمان بازی می کردیم که باد تندی وزید . باد ،

ما را به این و آن برد . آن جا هوا خیلی سرد بود ، باران شدیم و روی دریا باریدیم خیلی از

دوستانم روی کوه و چنگل و باریدند ، از آن ها هم ، همراه رودها به دریا آمدند . »

خورشید گفت : « حالا چرا دلتان می خواهد به شکل ابر در بیایید ؟ »

قطره ی آب گفت : « چون دوست داریم در آسمان به این طرف و آن برویم . در آن جا باران بشویم

و بر که به آب دارند بباریم و گل ها و تشنه را کنیم . »

خورشید لبخندی زد و گفت : « ، هیچ ناراحت نباش ! من می توانم شما را به شکل ابر

قشنگی در بیاورم . »

قطره با خوش حالی فریاد زد : « می گویی ؟ »

خورشید گفت : « بله ! » بعد ، گرما و نور خود را روی آب پاشید . آن ها کم کم گرم شدند . بعد

هم آرام آرام شدند و بالا رفتند و به شکل یک ابر کوچک و در آمدند .

ابر آن قدر بالا رفت که به خورشید شد و و قشنگ خورشید را

بوسید .

